

چرا ما در پی « روشن کردن » جهان هستیم ؟

این آرزو و اشتیاق برای « داشتن جهانی که سراسرش روشن است » چگونه در ما پیدایش یافته است ؟ آیا چنین جهانی که سراسرش روشن است ، برای زندگی انسان ، مطلوبست ؟ آیا زندگی ، بدون جستجوی غایت ها ، ارزشی دارد ؟ آیا غایت تاریک نیست که ما را به جستجو کردن میانگیزد و میکشد ؟ این آرزو و اشتیاق ، پیآیند جهان تاریکی است که جامعه ما بسیار دراز در آن مانده است ، و اکنون درست و از گونه آن را میخواهد ، چون از تاریکیها به تنگ آمده است . ولی جهان همیشه روشن نیز با زندگی ، سازگار نیست . دنبال ساختن جهان سراپا روشن رفتن نیز ، ساختن دوزخ تاره ایست . ما فراموش کرده ایم که در جهان تاریک هم ، اندیشه روشن ، برق آسا درخشیده اند که ما آنها را نادیده گرفته ایم . آدرخش ها با ابرسیاه ، همیشه باهمند . چرا ما از آدرخش های اندیشه در تاریکمان ، روشن نشده ایم ؟ چرا ، آدرخشهای اندیشه در تاریخ ما ، ما را حتی ، کورتر هم ساخته اند ؟ چون روشنائی برق ، همانسان که فضا را ناگهان روشن میکند ، به جای آنکه چشم ما را باز کند ، چشم ما را می بندد . هنوز هم که ما این آثار را میخوانیم ، از آنجا که چشم خرد ما عادت به دیدن در روشنائی یکنواخت و مداوم دارد ، از « درک بینش آدرخشی » عاجزیم . **دیدن ، به رغم ناگهانی بودن آدرخش ، یک هنر تواناییست .** همیشه در تاریخ ، بیدار شدن خرد و جان ، بستگی به گشودن چشم در برابر آدرخش دارد که چشم را می بندد ! این تجربه دید روشنی که ناگهانی در چشم میافتد ، انسان را تکان میدهد . این روشنی که چشم را میزند و می بندد ، دیدن ، وجود انسان را تحول میدهد . ما عادت داریم با چشمی ببینیم که فقط با روشنی یکدست و یکنواخت و مداوم خو گرفته است . این چشم و خرد ما هست که ناتوان از دیدن اندیشه های آدرخشی هست . در آثار حافظ و مولوی و عطار و فردوسی و نظامی ، این آدرخشهای بینش زیادند . ولی اغلب ، چشمانی دارند که در دیدن آدرخش ، بسته میشوند و در این آثار ، فقط « بینشهای متداول و رایج » را می بینند . برای نمونه یکبار این دوبیت اسدی توسی

را که در مقدمه گرشاسپ نامه آمده ، بخوانید تا با اندیشه های آذرخشی و نادیده گرفتن آنها در تاریخ و اجتماع ، آشنا شوید :

چرا این پیام و نشان ، از خدای ؟ چه بایست ، چندین ره و رهنمای ؟

همه با تو است . ارجوئیش باز نباید کسی ، تا گشایدت راز

ما ادبیات خود را نمی شناسیم ، چون چشم آذرخش بین نداریم . آذرخش های اندیشه ، خردِ سیستم شناس ما را کور میسازد . آیا وارد کردن روشنائی تند ، بطور ناگهانی از غرب ، به اجتماعات اسلامی که سده ها در تاریکی زیسته اند ، چشمها را در آغاز ، نبسته است ؟